



جهان

چهارشنبه، ۱۰ بهمن ۱۳۹۷ ۱۵:۰۶

Facebook Twitter Telegram Balatarin Print

آیا آمریکا می‌تواند در ایجاد ائتلافی جهانی علیه ایران موفق باشد؟

با روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ، سیاست خارجی آمریکا، به‌ویژه نوع رابطه و اشنگتن با تهران، با چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای روبه‌رو شد، به‌طوری‌که چهل‌وپنجمین رییس‌جمهوری ایالات متحده مقابله با اقدامات مخرب جمهوری اسلامی در منطقه را از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی‌اش اعلام کرد. با انتخاب مایک پومپئو به‌عنوان رییس دستگاه سیاست خارجی آمریکا، پیگیری این راهبرد شتاب بیشتری به خود گرفت. او دوم بهمن‌ماه سال جاری در جریان یک سخنرانی ویدئویی در اجلاس اقتصادی داووس، از ایجاد «ائتلافی جهانی» برای مقابله با حکومت و حمایت از مردم ایران سخن گفت.

پومپئو در ۱۷ دی‌ماه سال جاری هم در آستانه سفر به خاورمیانه، شکل‌گیری یک «ائتلاف منطقه‌ای به‌منظور مقابله با داعش و جمهوری اسلامی ایران» را اعلام کرده بود. در همین راستا، قرار است در روزهای ۲۳ و ۲۴ بهمن‌ماه سال جاری نشست ورشو با هدف پرداختن به مسائل خاورمیانه برگزار شود. با این حال، ناظران بر این باورند که هدف اصلی از برگزاری کنفرانس

ورشو بیش از هر چیز مرتبط با کارزار آمریکا موسوم به «فشار حداکثری» بر ایران است. برگزاری این کنفرانس در لهستان، که در بحبوحه مخالفت‌های داخلی و جهانی با بسیاری از سیاست‌های جنجالی ترامپ حاضر است میراث او را با نام‌گذاری پایگاهی نظامی به نام «دژ ترامپ» جاودانه کند، بسیار معنادار و نمادین است.

دژ ترامپ پاداش میزبانی کنفرانس مقابله با ایران

دولت لهستان، که از سیاست‌های توسعه‌طلبی ارضی همسایه شرقی و رویکرد تهاجمی ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهوری روسیه، واهمه دارد، اعلام کرده است در صورتی‌که آمریکا با تاسیس پایگاهی نظامی در لهستان موافقت کند، آن را دژ ترامپ نام‌گذاری خواهد کرد. اگرچه آمریکای ترامپ در چارچوب سیاست انزواگرایانه «اول آمریکا America First» تمایلی به گسترش پایگاه‌های خود در اقصی نقاط جهان ندارد، با این حال به نظر می‌رسد ترامپ با تاسیس پایگاهی نمادین و با حضور محدود نیروهای آمریکایی در لهستان موافقت کند. ترامپ که پیش‌تر در برنامه‌های تلویزیونی عامه‌پسند مشارکت داشته و شیفته دیده و شنیده شدن است به‌سختی می‌تواند با ایده ساخت پایگاهی دائمی به نام خود در کشوری که آمریکا بالاترین میزان محبوبیت را میان سیاستمداران و مردمش دارد و حضور نیروهای آمریکایی را ضامن حفظ امنیتشان در برابر روسیه پوتین می‌دانند مخالفت کند. دولت حزب راست‌گرای حاکم در لهستان، حزب قانون و عدالت، در بسیاری از موارد، از جمله مخالفت با ارزش‌های لیبرال، جهانی شدن و سیاست درهای باز، با دولت ترامپ همفکر و همداستان است و موافقت آمریکا با ایجاد دژ ترامپ می‌تواند مشوق پاداشی باشد در ازای میزبانی کنفرانس ضدایرانی در لهستان.

ایجاد بلوک ضدایرانی اروپای شرقی، بزرگ‌ترین دستاورد نشست ورشو

اقدام‌های مخرب و مداخله‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و همزمان با آن، بر سر کار بودن دولتی در آمریکا که برای مقابله با این اقدام‌ها و مداخله‌ها عزمی جدی دارد باعث شکل‌گیری یا تقویت بلوک‌های ضدایرانی شده است.

جبهه نخست کشور اسرائیل را شامل می‌شود که قدرت بلامنازع و برتر نظامی و اقتصادی منطقه است، ولی در چهار دهه گذشته با تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران مبنی بر محو این کشور از صفحه روزگار روبه‌رو بوده است. آخرین مورد از این دست تهدیدها دوشنبه گذشته از جانب حسین سلامی، جانشین فرمانده سپاه، صورت گرفت، که در حاشیه همایش «معماری دفاعی امنیتی نظام اسلامی» اعلام کرد: «راهبرد ایران محو اسرائیل از جغرافیای سیاسی جهان است». البته اسرائیل نیز بیکار ننشسته و با جسارتی که از حمایت‌های بی‌دریغ دولت کنونی آمریکا پیدا کرده است، در ماه‌های اخیر دست به پاک‌سازی گسترده نیروهای سپاه قدس و نیروهای نیابتی سپاه در سوریه زده است.

جبهه دوم بلوک عربی، به رهبری عربستان سعودی، است که اقدامات نابخردانه جمهوری اسلامی ایران باعث شکل‌گیری این بلوک شده است، از جمله توسعه‌طلبی شیعی در چارچوب شکل‌گیری

هلال شیعی، دامن زدن به فرقه‌گرایی، حمله طرفداران بخشی از حاکمیت به سفارت عربستان سعودی در تهران و استفاده ایزاری، تبلیغاتی و سیاسی جمهوری اسلامی از حجاج ایرانی. به علاوه، سفرها و تلاش‌های دیپلماتیک مایک پومپئو در نزدیک کردن اعراب و اسرائیل و متحد کردن آنها حول محور دشمن مشترک، یعنی ایران، باعث انسجام بخشی از این جبهه در راستای مقابله با توسعه‌طلبی منطقه‌ای جمهوری اسلامی شده است.

بلوک سومی که به نظر می‌رسد دولت ترامپ و وزیر خارجه‌اش در صدد گشودن و فعال کردنش بر ضد جمهوری اسلامی‌اند جبهه کشورهای شرق اروپا است. قدرت‌های عمده اروپای غربی از قبیل بریتانیا، فرانسه و آلمان سیاست کج‌دار و مریزی در قبال جمهوری اسلامی پیش گرفته‌اند و ضمن طرح موضوع مداخله‌های منطقه‌ای و نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، هم‌زمان به تجارت نسبتاً چشمگیر خود با ایران ادامه داده‌اند. این در حالی است که کشورهای اروپای شرقی، برخلاف هم‌تایان اروپای غربی خود، پیوندهای تجاری چندانی با ایران ندارند.

نکته دیگر این‌که این کشورها، علی‌رغم عضویت در اتحادیه اروپا و دیگر نهادهای اروپایی، در حال بازگشت به اقتدارگرایی دوران پیش از پیوستن به اتحادیه اروپا هستند. کشورهای اروپای شرقی و از جمله لهستان به داشتن مواضعی همچون ضدیت با مسلمانان، مهاجرت‌ستیزی و مخالفت با سیاست‌های اتحادیه اروپا و استانداردهای حقوق بشری آن شهره هستند و این از نقاط اشتراکشان با دولت کنونی آمریکا است. در این میان، با توجه به حجم اندک و بعضاً ناچیز مبادلات تجاری کشورهای اروپای شرقی با ایران، آنها حاضرند به راحتی عطای رابطه با ایران را به لقایش ببخشند. در چنین شرایطی است که کشورهای اروپای شرقی می‌توانند دعوت دولت ترامپ برای پیوستن به جبهه ضدایرانی را بپذیرند. کم‌این‌که نظرسنجی‌های مختلف نشان می‌دهد شخصیت مقتدر مآبانه ترامپ و مواضع سیاسی‌اش بیشترین محبوبیت و مقبولیت را میان کشورهای اروپای شرقی دارد.

اروپای شرقی، به رهبری لهستان، پتانسیل و آمادگی لازم برای پیوستن به ائتلاف ضدایرانی مورد نظر دولت ترامپ را دارد، چرا که اتخاذ سیاست ملی‌گرایی افراطی، مخالفت با رسانه‌های آزاد، ضدیت با چندفرهنگی‌گری و جوامع غیرمسیحی و غیرسفیدپوست از جمله بنیان‌های فکری و عقیدتی حاکم بر کشورهای اروپای شرقی و گروه ویزاگرا است، که امکان هم‌گرایی‌شان با دولت راست‌گرای ترامپ را فراهم می‌کند.

هرچند به نظر نمی‌رسد کنفرانس ورشو در ایجاد ائتلافی جهانی برای مقابله با دولت جمهوری اسلامی ایران موفقیت عمده‌ای داشته باشد، دست‌کم به این دلیل که دولت کنونی آمریکا در ایجاد ائتلاف‌ها و بهره‌برداری از نهادها و سازوکارهای بین‌المللی کارنامه درخشانی نداشته است و بالعکس ید طولایی در خروج و نقض پیمان‌های بین‌المللی و تضعیف سازمان ملل دارد. با وجود این، اگر هدف آمریکا افزودن اروپای شرقی به ائتلاف ضدایرانی عبری-عربی باشد، دستیابی به آن محتمل و امکان‌پذیر می‌نماید.

گمان می‌رود کشورهای موسوم به ویزاگرا، متشکل از چهار کشور راست‌گرای لهستان، مجارستان، چک و اسلواکی، و حتی دیگر کشورهای اروپای شرقی تمایل داشته باشند به جبهه

ضدایرانی بپیوندند و این می‌تواند بزرگترین رهتوشه و دستاورد دولت ترامپ و وزیر خارجه‌اش از نشست ورشو باشد.

تشکیل بلوک سوم از آن جهت دارای اهمیت است که بیش از پیش دست دولت ترامپ را برای مقابله با اقدام‌های مخرب جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی باز خواهد گذاشت و به‌عنوان وزنه‌ای تعادل‌بخش در مقابل مداخلات و مخالفت‌های اروپای غربی با سیاست‌های سخت‌گیرانه دولت ترامپ عمل خواهد کرد. افزودن بلوک اروپای شرقی به بلوک‌های ضدایرانی کشورهای عربی و اسرائیل همچنین مشروعیت و وجهه سیاست‌های مقابله با جمهوری اسلامی را نیز - که می‌تواند شامل تحریم‌های بیشتر و تشدید تضییقات اقتصادی با ایجاد موانع بیشتر برای صادرات نفت ایران باشد - افزایش خواهد داد.

این مطلب منعکس‌کننده دیدگاه ایران‌اینترنشنال نیست.

